

منشأ أسلحة إيه

ترجمه: عباسعلی فاریابی (۱۴۰۰/۲/۲۴)

برای بررسی منشأ شمشیربازی ایه، ابتدا باید - به طور خلاصه - به بررسی توسعه فلوره نگاه کرد. مقررات سنتی فلوره در اواسط قرن هفدهم در فرانسه به منظور نمایش و معرفی شمشیربازی بعنوان یک ورزش ماهرانه و ایمن، وضع شد، و این جریان قبل از اختراع ماسک سیمی اتفاق افتاد. با ظهور ماسک در پایان قرن هجدهم، شمشیربازی به یک ورزش رسمی آکادمیک تبدیل شده بود که دربرگیرنده یک سری حرکات پیچیده و فزاینده بود.



یکی از عوامل ایجاد شمشیربازی ایه استفاده از ماسک بود. اگرچه دوئل قرن ها غیرقانونی اعلام شده بود، اما ادامه آن، به ویژه در فرانسه، جایی که استادان شمشیربازی می توانستند درس های فلوره خود را بعنوان آمادگی عملی برای مواجهه جدی با شمشیر تطبیق می دادند. این دو شکل شمشیربازی کاملاً متفاوت بود، اما شکل پرتحرک و پویاتر فلوره که پس از اختراع ماسک تکامل یافت، این تمایز را ایجاد کرد و باعث شد برخی از شمشیربازها به این باور برسند که فلوره روشی برای آماده سازی کافی برای دوئل می باشد. در اواسط قرن نوزدهم، گروهی از شمشیربازهای پاریسی در برابر آموزش متداول فلوره طغیان و تمرد کردند، که باعث شد بسیاری از فلوریست های ورزیده هنگام درگیر شدن در یک دوئل کشته یا زخمی شوند. **بارون دو بازانکور** در کتاب سرگرم کننده خود *Les Secrets de l'Épée*، که در سال ۱۸۶۲ منتشر شد و تقریباً ۴۰ سال بعد توسط **فیلیکس کلی**، عضو "**باشگاه ایه**" با عنوان "**اسرار شمشیر**" ترجمه شد، این استدلال انقلابی را ارائه داد که شمشیربازی تا جایی که ممکن است باید نشان دهنده جنگ واقعی باشد.

لوک فلدز، رئیس وقت "**باشگاه ایه**"، در کتاب خود به نام "**شمشیر**" (تابستان، ۱۹۴۹) عنوان کرد: "اگر این هدف کاملاً عملی (آماده سازی برای دوئل) نبود، هیچ دلیلی برای فکر کردن در مورد ایجاد ایه وجود نداشت." در ربع آخر قرن نوزدهم، ژول ژاکوب، استاد شمشیربازی پاریسی، خود را با درخواست فزاینده افراد متعددی روبرو دید که خواهان آماده کردن آنها برای دوئل بودند و به زودی تعدادی از فلوریست های ناراضی که به تمرین شکل واقعی تر شمشیربازی علاقه مند بودند، جذب شدند. سلاح مورد استفاده دقیقاً همان سلاح دوئل آن دوره بود، به جز نوک مسطح آن. به محض اختراع این سلاح، مشخص شد که این نوع جدید شمشیربازی کاملاً جدا از کاربردهای عملی آن می باشد. شمشیر ایه به

سلاحی برای ورزش و همچنین مبارزه تبدیل شد و مجریان آن مجبور بودند تا ذهنیت دوئل را توسعه و دنبال کنند: یعنی **ضربه بزنی بدون اینکه ضربه بخورید**.

بازی برای زدن یک ضربه انجام می شد، اما دشواری قضاوت در مورد خوب بودن یا خوب نبودن ضربه منجر به اختراع پوینت در سال ۱۸۸۳ شد، که یک پوینت تیز ۲ میلی متری برجسته بود. با توجه به بسیار خطرناک بودن این پوینت در سال ۱۹۰۶ - سالی که این پوینت در یکی از پول های مسابقه ای "باشگاه ایه" امتحان شد - پوینت سه شاخه در فرانسه معرفی شد، طرحی که به مدت بیش از ۵۰ سال از آن استفاده شد. بازی تک ضربه ای گاهی اوقات منجر به ضربه اتفاقی شمشیرباز با مهارت کمتر می شد و به یک رویه بیش از حد احتیاط آمیز منجر شده بود که تماشاگران را کسل می کرد. در سال ۱۹۰۹ "باشگاه ایه" بازی ۳ ضربه ای را معرفی کرد و سپس پس از اختراع دستگاه های الکتریکی برای اولین بار در سال ۱۹۳۱ بازی ۵ ضربه ای نیز معرفی و بکار گرفته شد. به منظور اعمال هرچه بیشتر شرایط یک دوئل، بیشتر مسابقات قهرمانی قبل از جنگ جهانی دوم در هوای آزاد و در پیست های سنگریزه برگزار می شدند.

با این حال، به محض دور شدن از سیستم امتیازی تک ضربه ای، و مسابقات براساس تعداد پیروزی ها محاسبه شد، ذهنیت دوئلیسم کم رنگ شد. رنه مونال بازیکن برجسته فرانسوی یکی از اولین کسانی بود که ایه الکتریکی را به نتیجه منطقی خود رساند، و برای همیشه قانون طلایی سلاح را از "ضربه بزنی بدون اینکه ضربه بخورید!" به "در عرض ۱/۲۵ ثانیه قبل از اینکه حریف به شما ضربه بزند، ضربه خود را بزنی!" تغییر داد. تخصص او در فلش به بدن بود و در بازی های دانشگاه جهانی ۱۹۳۷ که در پاریس برگزار شد در یکی از فلش های خود که به طرف تیغه حریفش می دوید تیغه حریف شکست، و به قلبش فرو رفت. مونال پس از اینکه دستگاه آپاره ضربه نهایی منجر به پیروزی خود را ضبط کرد، جان خود را از دست داد.



به دلیل یک حادثه مرگبار دیگر در سال ۱۹۵۱ بود که پوینت الکتریکی چهار شاخه، که لباس بازیکنان را پاره می کرد، به شکل آنالاسی درآمد و سپس در سال ۱۹۶۸، به پوینت تخت و لبه دار امروزی تغییر یافت.

Malcolm Fare